

## تار نساجی را باید به پود پوشاک گره زد

امروز صنعت نساجی بیش از گذشته نیازمند کاهش قیمت تمام شده است.



باید بدون قید و شرط برداشته شده و امکان تهیه پنبه مورد نیاز واحدهای نساجی از سایر کشورهای جهان با تعرفه نزدیک به صفر فراهم شود. اجرای این راهبرد، بهای تولید پارچه حاصل از پنبه ارزان و مرغوب وارداتی را به شدت کاهش می‌دهد. به موازات، محصول نهایی (پوشاک) تولید شده از چنین پارچه‌ای، ارزش افزوده مضاعفی خواهد داشت که در تفاوت نرخ پارچه نهفته است. شاید اجرای چنین روشی، ظلم مسلم به کشتکاران پنبه تلقی شود، ولی دولت با یک برنامه حمایتی کوتاه‌مدت - مثلاً سه ساله - می‌تواند یارانه نقدی را برای حمایت از این افراد اختصاص دهد و در همان دوره، آنها را به سوی جایگزین کردن یک محصول مزیت‌دار دیگر (نظیر انواع دانه‌های روغنی) هدایت کند. اجرای این روش، نه تنها اختلالی در نظام کشاورزی کشورمان ایجاد نخواهد کرد، بلکه در بلندمدت می‌تواند از خسارت‌های وارده به عرصه کشاورزی، صنایع تبدیلی و غذایی و حتی صنعت نساجی به شدت بکاهد. ● با حمایت دولت واحدهای تولید پوشاک باید از طریق اعطای تسهیلات ارزان قیمت ریالی (متعلق به شبکه بانکی و نه حساب ذخیره ارزی)، به صورت خوشه‌های صنعتی در راستای مدار تولید پارچه، ایجاد و تقویت شوند. ● این واحدها باید بکوشند قیمت تمام شده صنعت نساجی ایران را کاهش دهند.

● هزینه‌های بازاریابی و نمایشگاه‌های مرتبط با پوشاک باید به صورت کامل از سوی دولت پرداخت شود تا شرکت‌های ایرانی تولید پوشاک و پارچه بتوانند بدون دغدغه در عرصه‌های مختلف بازاریابی کالاهای تولید شده خود حاضر شوند. اجرای مشابه چنین برنامه‌ای در کشور ترکیه، موجب رشد چشمگیر صنعت پوشاک این کشور شده است.

● برقراری سازوکارهای تشویقی همچون اعطای جوایز صادراتی، ایجاد مناطق ویژه نساجی و پوشاک با شرایط خاص، ایجاد شهرک‌های صنعتی تخصصی در تولید و صادرات پوشاک و تولید برای عرضه به بازار داخل، به گونه‌ای که نیازمندی‌های واقعی بازارهای مصرف به خوبی تشخیص داده شده و برای هر بازاری، پوشاک و پارچه جذاب آن تولید شود.

بی‌تردید، با اجرای همین پنج بند راهبرد اصلاحی، می‌توان ضمن خارج ساختن صنعت پر مزیت نساجی از بحران، گامی مهم در مسیر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و کاستن از شمار لشکر بیکاران کشور برداشت. اگر باور داریم که توسعه صادرات غیرنفتی و اشتغال‌زایی و کارآفرینی از اهداف پراهمیت مجموعه نظام اقتصادی کشور است، باید بدانیم که بخشی از این اهداف مبارک، با مدیریت صحیح حمایت‌های دولتی از صنایعی نظیر صنعت نساجی، قابل تحقق است. ■

کشورمان را فاقد توجیه اقتصادی لازم برای تداوم حمایت‌های دولت می‌داند. حال آنکه، این صنعت را اگر متصل به صنعت پوشاک بدانیم و آن را تنها تولید پارچه محسوب نکنیم، بسیار بیش از برخی رشته‌های مشمول حمایت دولت، ارزش اقتصادی دارد. پای صحبت قدیمی‌های صنعت نساجی که بنشینیم، حرف و حدیث‌های جذابی از ایرانی بودن پارچه‌های فلان برند لباس و تن‌پوش مشهور و معروف اروپایی دارند. این گفته‌ها هیچیک گرافه نیست. اما این واقعیت‌ها گویا در لابه‌لای تصمیم‌گیری‌ها و نظرات کارشناسی، مغفول مانده است و همین غفلت پرهزینه، برنامه‌های حمایتی و توسعه‌ای از صنعت نساجی را به جایی سوق داده که اتصال حیاتی آن با صنعت پوشاک، نادیده انگاشته شده و این مسأله، کل صنعت نساجی را به سراشیبی سقوط فاجعه باری کشانده است. اما واقعیت این است که هنوز هم امکان نجات صنعت نساجی از طریق اتصال عملی آن به صنعت پوشاک و اجرای برنامه‌های پر قدرت صادراتی وجود دارد. ایران روزگاری نه چندان دور، شهره صنعت نساجی جهان بود و پارچه لباس ایرانی، افتخار قامت و مایه فخر و مباهات مصرف‌کنندگان آن در چهار سوی عالم به حساب می‌آمد.

### چهار قدم

به راستی، این یک دروغ بزرگ است اگر گفته شود ایران امکان رقابت پرتوان در عرصه صنعت نساجی جهان را ندارد. نگاهی به کارنامه بزرگان فعلی صنعت نساجی و پوشاک جهان نشان می‌دهد که درست در همان دوره‌ای که آنها سعی داشتند به هر شکل ممکن، صنعت تولید پارچه را با صنعت پوشاک خود هماهنگ و هم‌نوا کنند، ما دیوار بلندی میان این دو صنعت ایجاد کردیم و با توجیه فرسودگی ماشین‌آلات نساجی، پارچه نامرغوب تولید ایران را دلیل و برهان رواج پارچه خارجی در صنعت پوشاک کشور دانستیم. درست در همان زمانی که ترکیه و چین سعی در کاهش هزینه‌های تولید صنعتی داشتند، در ایران به دلیل شیوع یک بیماری اقتصادی هولناک، هزینه تولید هر روز سر به ثریا می‌کشید و واحدهای صنعتی نساجی یکی پس از دیگری به مغاک خاک درمی‌افتادند. از این دست دلایل و عوامل، بسیار است. ولی هدف این است که راهبردی قابل عمل برای خروج نساجی ایران از بحران فعلی به مدیران و برنامه‌ریزان کشور پیشنهاد کنیم. این راهبرد که باید به سرعت و با مطالعه و سنجش به اجرا درآید، هماهنگی و هم‌مدلی طیف وسیعی از فعالان و سازمان‌های مرتبط با صنعت نساجی و پوشاک را می‌طلبد. در ذیل برخی از اقدامات لازم پیشنهاد شده است.

● پنبه، مهم‌ترین ماده اولیه مورد نیاز صنعت نساجی است. اکنون سال‌هاست که وزارت جهاد کشاورزی با شعار حمایت از پنبه‌کاران، بر ممنوعیت ورود این محصول از طریق ایجاد دیوارهای بلند تعرفه‌ای و آزمایش‌های فنی پای می‌فشارد. این گونه ممنوعیت‌ها

صنعت نساجی ایران با وجود حمایت‌های گسترده دولت از جمله اعطای وام‌های کم بهره از محل حساب ذخیره ارزی، همچنان درگیر معضلات و مشکلات پرشماری است. گفته می‌شود استمرار بحران‌های این صنعت، می‌رود تا یکی از کهن‌ترین رشته‌های صنعتی فلات دیرپای ایران را از مدار توجیه اقتصادی و مزیت‌سنجی خارج کند.

هر چند بررسی این موضوع که صنعت نساجی چرا به شرایط فعلی رسیده است، نیازمند گزارشی مفصل‌تر است، اما تردیدی نیست که در شرایط فعلی نیز راهکارهای مؤثری برای «برون‌رزی پایدار» از بحران و رسیدن به ساحل ثبات، برای صنعت نساجی وجود دارد. ای کاش تصمیم‌گیران اقتصادی کشور در زمان اخذ تصمیم برای پرداخت وام از محل حساب ذخیره ارزی، راه‌حل‌هایی دوراندیشانه و تأثیرگذارتر - که البته انجام آنها هم بسیار سهل و آسان‌تر بود - اتخاذ می‌کردند. اگر چنین بود، شاید امروز سرنوشت صنعت نساجی کشورمان در موقعیتی بسیار متفاوت قرار می‌گرفت.

آنچه مسلم است، وضعیت امروز صنعت نساجی کشور بیش از سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ شمسی نیاز به ممارست و حمایت دولت دارد، چرا که در صورت قطع حمایت دولت یا تغییر زاویه نگاه آن، همه رشته‌های حمایتی گذشته پنبه خواهد شد. در بررسی کارنامه عملکرد گذشته صنعت نساجی کشور، به نقاط درخشانی برمی‌خوریم که حاکی از وجود توانمندی‌ها و قابلیت‌های فراوان این صنعت است. اما توفیق در برنامه‌های صادراتی و کسب سهم مطلوب از بازارهای مصرف جهانی، آن هم در شرایط پرقابلیت امروز اقتصاد جهان، جز با تدوین و طراحی راهبردی و برقراری امنیت اقتصادی در مسیر تولید به صادرات، میسر نخواهد بود. در این میان، یکی از عملی‌ترین راهبردهای خارج شدن صنعت نیمه جان نساجی از وضعیت کمابلی که هم اکنون به آن دچار شده است، افزودن حلقه‌ای مؤثر و راهبردی بر چرخه حیات آن است - این حلقه راهبردی، صنعت پر مزیت پوشاک و بخش‌های وابسته به آن است.

تولید نهایی و حصول کالای قابل مصرف، همواره بیش از تولید کالای خام و فرآوری نشده، حاوی ارزش افزوده اقتصادی است. با این اصل می‌توان «منسوج نافته» حاصل از عملیات نساجی را کالایی خام و عمل‌آوری نشده محسوب کرد که فرآوری و منتج شدن آن به تولید آلبسه و پوشاک، می‌تواند تولید کالای مصرفی نهایی و سرشار از ارزش افزوده و انتفاع اقتصادی قلمداد شود، در حالی که در صنعت نساجی ایران همواره تولید پارچه، نماینده کل صنعت بوده و جای خالی بخش پر ارزش پوشاک در بررسی قابلیت‌های این صنعت پر مزیت، خالی مانده است. شاید به همین دلیل است که بسیاری از افراد، با اتکا به آمار و داده‌های پردازش نشده، صنعت نساجی